



## نقش اخلاق اسلامی در توسعه

محمد رضا زهرایی

است. اخلاق و وظیفه‌گرایانه غایتی است که انسان‌ها باید به آن برسند، اما بر اساس آن نمی‌توان برای مدیریت جامعه برنامه‌ریزی کرد، بنابراین برای نهادینه کردن توسعه در سطح جامعه اخلاق و وظیفه‌گرایانه چندان کارایی ندارد. ایشان معتقد است وقتی سازوکار مدرن و مبتنی بر توسعه در جامعه‌ای نهادینه شد به اقتضای شرایط برخی مناسبات و روابط دگرگون می‌شود. اما این دگرگونی لزوماً به معنای نقض اصول اخلاقی نیست، یعنی بسیاری از ارزش‌ها تابع شرایط محیطی هستند و ارزش‌ها عوض می‌شوند. اخلاق راسی که ترکیبی از اخلاق فایده‌گرایانه و وظیفه‌گرایانه است بیش‌تر می‌تواند در وادی توسعه به ما کمک کند. اخلاق فایده‌گرایانه در قیاس با اخلاق راسی نسبت به امور حقوق بشری کم‌عنایت‌تر است. به این خاطر با استفاده از آموزه اخلاقی راس با مد نظر قرار دادن جمیع جوانب در سیاق اخلاقی می‌تواند به داوری اخلاقی موجه در مسیر توسعه رسید.

در مقابل تقی آزاد ارمکی (۱۳۹۵) معتقد است بدفهمی‌های دیگری نسبت به نظریهٔ وبر دربارهٔ مفهوم سرمایه‌داری و اصلاح دینی

روابط بین اخلاق و دین روابط مختلفی است. از مهم‌ترین و پر بحث‌ترین نسبت‌های اخلاق و توسعه؛ تأثیر اخلاق بر شاخص‌های توسعه و دیگری اخلاق توسعه است. در رابطه اولی ارزش‌ها بر اساس هستی‌شناسی دینی بنا شده است. ولی در اخلاق توسعه، اصالت با توسعه است و ارزش‌های آن مبتنی بر آن هستی‌شناسی است که باعث افزایش شاخص‌های توسعه شود.

مدافعان اخلاق توسعه خود را مدافع نسبییت اخلاقی نمی‌دانند ولی در عمل چارچوب‌های اصیل اخلاقی برآمده از دین را مورد تردید قرار می‌دهند و اخلاق فایده‌گرایانه را همراهی مناسب برای دستیابی به توسعه می‌دانند. البته بعدتر که اخلاق فایده‌گرایانه بشر را گرفتار واقعیت تضاد منافع کرده، تغییر رویکرد دادند و نوعی از مسؤولیت یا اخلاق وظیفه‌گرایانه را برای توجیه اصول حقوق بشری با اخلاق فایده‌گرایانه ادغام کردند. از مدافعان این رویکرد سروش دباغ است. زهرا میراحسنی (۱۳۹۱) در نوشتاری اندیشه سروش دباغ را این‌گونه تبیین می‌کند: در مکاتب اخلاقی مغرب‌زمین فایده‌گرایی بیش از وظیفه‌گرایی به توسعه نزدیک



## دین و اخلاق

ما در این مقاله دین را بنا به تعریف آیت‌الله مصباح یزدی تعریف می‌کنیم. دین در این تعریف با محوریت هدف که همانا سعادت انسان‌هاست تعریف می‌شود.

دین نیز در تعریف منتخب ما، اسلام ناب است که هدف اصلی آن نشان‌دادن راه سعادت به انسان‌هاست. محدود به آموزه‌هایی نیست که از منبع یا روش خاصی به دست آمده باشد. منبع این آموزه‌ها به تناسب مسأله مورد بحث می‌تواند خود واقعیت، عقل، وحی، یا طبیعت محسوس باشد. دستیابی به تعالیم دین اسلام درباره موضوعات مختلف نیز به تناسب موضوع ممکن است با روش شهودی، عقلی، فلسفی یا تجربی میسر گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۰۴). ایشان همچنین مؤلفه‌های دین را شامل اعتقادات، اخلاقیات و احکام می‌داند. بنا به این تعریف اخلاق از مؤلفه‌های دین است. اخلاق، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و گزاره‌های ارزشی است که برآمده از دین است.

### توسعه

بر حسب اصطلاحات صرف اقتصاد کلاسیک، توسعه به معنای توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد تناوم و رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخ‌های

صورت گرفته است؛ زیرا عده‌ای بدون درک درست از مفاهیم کلیدی ویر، چون اصلاح دینی، مدعی‌اند راه اصلی دستیابی به توسعه پایدار، تحول در اندیشه، روحیه و اخلاق است که این تحول در اثر بازنگری و احیای دینی امکان‌پذیر است. منظور این افراد از احیای دین، تفسیر مجدد از دین براساس نیازهای دوران معاصر و جهت‌دهی به رفتار و اعمال مؤمنان در فرایند توسعه است. به عبارت دیگر، دنیایی نمودن دین و رفع موانع و مشکلات موجود در ساختار تفکر دینی، برای دستیابی به توسعه ضروری دانسته شده است که در این رویکرد، این افراد مدعی‌اند عمده‌ترین موانع، گرایش به سنت، سلوک و مناسک، انزواطلبی و... است.

هدف ما در این مقاله بررسی تاثیر اخلاق بر شاخص‌های توسعه است. به عبارتی رابطه دین با توسعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در علوم اجتماعی دانشمندان زیادی به رابطه بین دین و اقتصاد پرداخته‌اند. از مهم‌ترین آثار کلاسیک که به رابطه دین و اقتصاد پرداخته است، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری اثر ماکس وبر (۱۹۵۸) است. وبر سرمایه‌داری و توسعه اقتصادی حاصل از آن را نتیجه ایجاد و توسعه تفکر و مذهب پروتستانیسم در مقابل کاتولیک می‌داند (وبر، ۱۹۵۸).

در این بحث ابتدا به تعریفی از دین، اخلاق و توسعه می‌پردازیم و سپس روابط بین این دو مفهوم را بررسی می‌کنیم.



شواهد زیادی اثر مثبت باورهای مذهبی بر تولید اقتصادی را تایید می‌کند (لاناگون، ۹۸۸ به نقل از مهرگان و دلیری ۱۳۸۹). روپر (۱۹۶۳) به نقل از مهرگان و دلیری (۱۳۸۹) در تحقیقی نشان داد که نگرش‌های مذهبی کالونیسم در توسعه تجاری مؤثر است. گلاهِ و وریس (۱۹۸۹)، هیس، واترز و واتسون (۱۹۹۵)، گریر (۱۹۹۷) تفاوت اثر نگرش‌های مذهبی به رشد اقتصادی را تایید کردند. هریشمن (۱۹۸۳) به نقل از مهرگان و دلیری (۱۳۸۹) با مطالعه رابطه بین پیروی از مذاهب پروتستان، کاتولیک و یهود با برخی رفتارهای مصرفی شهروندان آمریکا به این نتیجه رسید که بین این دو دسته متغیر رابطه مثبت برقرار است. تحقیقات دیگری (مایر و شارپ ۱۹۶۲، سود و ناسو ۱۹۹۵، پیلی ۱۹۹۳ و لهر ۲۰۰۲) به نقل از مهرگان و دلیری، (۱۳۸۹) این نتایج را تایید کردند.

بارو و مک کلری (۲۰۰۳) به نقل از مهرگان و دلیری (۱۳۸۹) با مطالعه ۵۹ کشور در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ نشان دادند که باورهای مذهبی این کشورها می‌تواند بر رشد اقتصادی آن‌ها اثر بگذارد.

عوامل غیر مستقیم

از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی (دلیری، ۱۳۸۷) و به تبع توسعه همچنین افزایش مشارکت مردم و همراهی با حکومت که منتج به توسعه می‌شود، مفهوم اعتماد است. اعتماد یکی از عناصر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مفهومی برای سنجش کیفیت روابط در شبکه‌های اجتماعی است. سرمایه اجتماعی بازگشت‌هایی را تولید می‌کند که دارندگان آن را بهره‌مند می‌سازد. استدلال سرمایه اجتماعی در ضعیف‌ترین و معمولی‌ترین حالت آن این است که سرمایه اجتماعی منبعی است که کنشگران می‌توانند برای رسیدن به اهدافشان آن را مورد استفاده قرار دهند. در دیدی بلندپروازانه‌تر نسبت به این اصطلاح تصور سرمایه به عنوان نشان‌دهنده یک سرمایه‌گذاری سودمند نهفته در روابط اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و قابل سنجش می‌باشد و برای سرمایه‌گذاران آن مفید باشد (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۱۴). پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی در قالب و شکل هنجارهای معامله متقابل تعمیم یافته در یک اجتماع، باعث افزایش کارایی نسبت به جامعه‌ای می‌شود که گرفتار بی‌اعتمادی است. دقیقاً به همان دلیل که پول کارایی بیش‌تری نسبت به مبادله پایاپای دارد و اگر دو طرف معامله به کالاهای یکدیگر نیاز نداشته باشند از طریق پول به عنوان واسطه عمل می‌نمایند و حجم مبادلات به مراتب بیش‌تر می‌شود، اعتماد نیز همانند پول در زندگی اجتماعی عمل نموده و تعامل فراوان در بین مردم گوناگون باعث ایجاد هنجار معامله متقابل تعمیم یافته گردیده و مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی باعث ایجاد تعهد متقابل و مسؤولیت‌پذیری در انجام دادن اعمال و رفتارها می‌شود. سرمایه اجتماعی واجد هر دو بعد فردی و جمعی بوده و قبل از هر چیز افرادی را بهره‌مند می‌سازد که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. بنابراین سرمایه اجتماعی هم کالای خصوصی و هم کالای عمومی بوده است. گرچه مطالعات پاتنام در سطح کلان بوده، اما در این کتاب بر آثار و مزیت‌های سرمایه اجتماعی در سطح فردی و خرد تاکید دارد و پیدا کردن شغل، دست‌یابی به امتیازات و ترفیع شغلی بر خورداری از وام‌ها و پاداش‌ها در گروه‌های گوناگون قومی، مهاجران و... را ناشی از گسترش شبکه‌های اجتماعی فرد می‌داند (پاتنام ۲۰۰۰، به نقل از فیروز آبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۷).

۵ تا ۷ درصد و بیش‌تر بوده است. اما تجربه دهه‌های ۱۹۵۰ و ۶۰ میلادی وقتی که کشورهای آفریقایی به اهداف توسعه سازمان ملل دست یافتند ولی سطح زندگی توده‌های مردم بدون تغییر باقی ماند نشان از نواقص زیاد این تعریف داشت.

مایکل تودارو، در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم، در تعریف توسعه می‌نویسد: «توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است» (تودارو، ۱۳۶، ۱۳۶۶).

در تعریف دیگری، تودارو، توسعه را این‌گونه بیان می‌کند: «توسعه عبارت است از ارتقای مستمر یک جامعه یا نظام اجتماعی به سوی یک زندگی بهتر و انسانی‌تر» (همان).

### مفهوم توسعه در نگاه اندیشه‌وران مسلمان

با توجه به مفهوم انسانی توسعه است که برخی از اندیشه‌وران مسلمان معتقدند که «اسلام به مسأله توسعه اقتصادی اهمیت زیادی داده است، اما در عین حال آن را بخشی از مسأله‌ای گسترده، که عبارت باشد از توسعه انسانی، می‌داند. بدین جهت است که حتی در بخش اقتصادی نیز بر توسعه انسانی تاکید می‌کند. در توسعه اقتصادی عنصری اساسی و جدایی‌ناپذیر از توسعه اخلاقی و اجتماعی - اقتصادی جامعه انسانی به شمار می‌رود.» (خورشید احمد، ۱۳۷۴: ۲۴۱)

برخی مفهوم تام توسعه (نه صرفاً اقتصادی) را از دیدگاه علامه طباطبایی عبارت دانسته‌اند از تحول مداوم در روابط، قوانین و ابزار حیات برای دستیابی به اهداف انسانی (موسایی، ۱۳۷۴، ۴۶)

بر مبنای شهید مطهری، که قائل به تفکیک میان پیشرفت و تکامل می‌باشد، و معتقد است هر تکاملی پیشرفت است، ولی هر پیشرفتی تکامل نیست، و در مفهوم تکامل، تعالی اخذ شده است، توسعه به مفهوم انسانی آن را می‌توان مترادف و هم‌معنی با تکامل دانست. زیرا «تکامل این است که یک شیء، یک مرتبه واقعیتی را داشته باشد، بعد در مرحله بعد همان واقعیت را در درجه بالاتر داشته باشد. در واقع تکامل، تعالی در وجود و اشتداد در هستی است. هر چه کثرت‌ها و تعایرها و اختلاف‌ها به وحدت بیش‌تری می‌رسند و هر چه تنازع‌ها و تضادها جای خود را به تعاون و هماهنگی بیش‌تری می‌دهند و وحدت ارگانیک زیادتری می‌یابند، کامل‌تر می‌گردند...» (مطهری، ۱۳۶۳: ۲۷۶)

بنابراین، بر اساس آن چه گذشت، می‌توان گفت: توسعه فرایندی کمی و کیفی است که در یک جامعه در همه ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن اثر می‌گذارد و سطوح مختلف زندگی را دربرمی‌گیرد؛ یا به تعبیری می‌توان گفت توسعه فرایندی است که یک جامعه را از وضعی خاص به وضعی بهتر (دست‌کم از نظر کیفیت زندگانی) می‌رساند.

### تأثیر اخلاق بر توسعه

دین و به تبع اخلاق برآمده از آن به دو صورت می‌توانند بر شاخص‌های توسعه اثر بگذارند. یکی مستقیم و دیگری غیرمستقیم می‌تواند بر عوامل مؤثر بر شاخص‌های توسعه مؤثر باشد:

عوامل مستقیم



وجود سرمایه مذهبی (اخلاق) بالاتر می‌تواند بسیار مؤثرتر از وجود سرمایه اجتماعی خالی از مذهب باشد.

### اخلاق و شاخص سلامت

در مطالعه‌ای (کونور و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از مهرگان و دلیری ۱۳۸۹) دریافتند که نگرش مذهبی باعث کاهش استعمال دخانیات و الکل و افزایش توجه افراد به سلامت خود شده است. همچنین (اومان و همکاران ۱۹۹۸، هامر و همکاران ۱۹۹۹، پارگمنت ۲۰۰۱، سوزا و همکاران ۲۰۰۴ به نقل از مهرگان و دلیری ۱۳۸۹) نشان دادند که نگرش‌های مذهبی اثر مثبت بر بسیاری از شاخص‌های سلامت دارد.

### نتیجه‌گیری

اخلاق و ارزش‌ها و نگرش‌های دینی با تاثیر مثبت بر شاخص‌های توسعه به طور مستقیم و غیرمستقیم باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود و زمینه را برای توسعه و رفاه فراهم می‌کند. اخلاق می‌تواند با تاثیر مثبت بر شاخص‌های اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی هم در سطح مردم و هم در سطح رابطه مردم با سازمان‌های حکومتی به طور غیرمستقیم شاخص‌های توسعه را افزایش دهد. اخلاق همچنین می‌تواند با تاثیر بر شاخص‌های سلامت، توزیع درآمد و توسعه سازمان‌های خیریه و عدالت بر توسعه جوامع مؤثر باشد.

### منابع

آزاد ارملی، تقی (۱۳۹۵) الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه بر گرفته از سایت علوم انسانی (<http://www.ensani.ir/fa/content/6419/default.aspx>)

زهره میر احسنی (۱۳۹۱) تخلص نظریه اخلاق و توسعه سرورش دباغ، موسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره ([www.irnavision1404.com/lib/cms/id=288](http://www.irnavision1404.com/lib/cms/id=288))

تودارو مایکل (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجامی، تهران، انتشارات برنامه و بودجه، ج ۱

خورشید احمد (۱۳۷۴)، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد جواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

فیروز آبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، نقد و معرفی کتاب، بولینگ یکنفره: فروپاشی و احیای مجدد اجتماع آمریکایی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲.

فیلد جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، مترجم: غلامرضا غفاری، حسین رضائی، تهران، نشر کویر.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، منوچهر صبوری، تهران، نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، محسن ثلاثی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، نقدی بر مارکسیسم، تهران، صدرا.

موسایی، میثم (۱۳۷۴)، دین و فرهنگ توسعه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

نادر مهرگان، حسن دلیری (۱۳۸۹)، نقش سرمایه مذهبی (اخلاق) در توسعه اقتصادی، راهبردیاس، شماره ۲۱.

### منابع انگلیسی

Sood, James and Nasu, Yukio; (1995 Religiosity and Nationality An Exploratory Study of Their Effect on Consumer Behavior in Japan and the United States J. Business Research, Vol. 34, pp1-9.

Weber, Max (1958) The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism; translated by Talcott parsons, new york free press.

Glah, Fred and Vorhies, Frank (1989) Religion, liberty and economic development: an empirical investigation, public chice, 62:3, pp 15-201.

### اعتماد

گیدنز (۱۳۷۷) معتقد است که اعتماد مربوط به دوران کودکی است و آن چه اریکسون آن را اعتماد بنیادی می‌نامد، مطابقت دارد. گیدنز اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می‌داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال‌ها در بحران‌ها و در حال و هوای آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می‌بخشد و به پیش می‌برد. گیدنز اعتماد را از مؤلفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آن که در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۴).

به عقیده فیلد (۱۳۸۶)، کلمن و پاتنام هر دو، اعتماد را به عنوان کلیدی سرمایه اجتماعی تعریف می‌کنند. کلمن (۱۳۷۷) معتقد است در مبادلات اجتماعی، برخلاف مبادلات بازاری که هم‌زمان بده و بستان صورت می‌گیرد، بازیگران مجبورند منافع خود را سرمایه‌گذاری کنند، تا پس از یک دوره زمانی، منافعی عاید آنان گردد و این مساله عنصر خطر را وارد این مبادلات می‌کند. انجام این گونه مبادلات مستلزم وجود اعتماد بین طرفین است (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۴۵). فوکویاما (۱۹۹۵) اعتماد را به عنوان یک ویژگی اساسی سرمایه اجتماعی می‌داند و می‌گوید: سرمایه اجتماعی یک توانمندی است که در اثر شیوع اعتماد به وجود می‌آید. فوکویاما معتقد است که اجتماعات به اعتماد متقابل وابسته است (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۲۵).

### اخلاق و سرمایه اجتماعی

حال می‌توانیم به رابطه بین صفات اخلاقی و سرمایه اجتماعی بپردازیم. ما می‌توانیم صفات اخلاقی را یک به یک به عناصر سرمایه اجتماعی ارائه کنیم و ببینیم آیا باعث افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود؟ سرمایه اجتماعی بنا به تعریف شامل یک عنصر عینی یعنی شبکه روابط و دو عنصر ذهنی یعنی اعتماد و هنجارهای متقابل بده‌بستان است. صفات اخلاقی به عنوان کنش ذهنی با دو عنصر ذهنی سرمایه اجتماعی مقابله می‌دهیم. مثلاً صدق آیا باعث اعتماد بیش‌تر و هنجارهای بده‌بستان می‌شود؟ امانت‌داری، وفای به عهد، کظم غیظ، ایثار، عفت، عفو و دیگر صفات اخلاقی آیا رابطه مثبت با اعتماد و هنجارهای بده‌بستان دارند؟ این می‌تواند یک چارچوب اندازه‌گیری برای روابط بین صفات اخلاقی و سرمایه اجتماعی در اختیار قرار دهد.

نگرش‌های مذهبی می‌تواند بر بهره‌وری نهایی سرمایه انسانی و از این راه بر رشد اقتصادی مؤثر باشد (حبیب‌الله خان و دیگران، ۲۰۰۸ به نقل از مهرگان و دلیری ۱۳۸۹) و با کاهش هزینه‌های مبادله سبب کاهش ناطمینانی از آینده شده و سبب رشد اقتصادی شود (مهرگان و دلیری، ۱۳۸۹).

مطالعات تجربی نشان داد که مذهب می‌تواند موجب تقویت حس نوع‌دوستی، مشارکت، همیاری، همبستگی و وحدت ملی که از مصادیق سرمایه اجتماعی هستند شود (بانکستون و ژاو، ۱۹۹۵). مذهب می‌تواند باعث افزایش شعاع اعتماد و کاهش فساد و جرم در جوامع گردد (حبیب‌الله خان و دیگران، ۲۰۰۸). نادر مهرگان و حسن دلیری (۱۳۸۹) نشان داد که اثر